

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی<sup>۱</sup>

سال سیزدهم - شماره هشتم - آبان ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۴

تحلیل سبک‌شناسانه «تاریخ رشیدی» اثر «میرزا محمد حیدر دوغلات»

(ص ۲۲-۱)

بهروز بیک بابائی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: فروردین ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: خرداد ۹۹

### چکیده

دانش سبک‌شناسی برای پژوهشگر زمینه‌ای فراهم می‌کند تا بتواند به شیوه‌ای روشمند، به لایه‌های گوناگون منظومه فکری نویسنده راه یابد. در پژوهش پیش رو، با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و بهره‌گیری از روش استقرایی مبتنی بر توصیف و تحلیل، مؤلفه‌های سبکی کتاب «تاریخ رشیدی» اثر «میرزا محمد حیدر دوغلات» را در لایه‌های آوایی، واژه‌ای، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک مورد واکاوی قرار داده ایم. بزعم نگارنده، توانایی مثال‌زدنی مؤلف کتاب، در کاربرد زبان و سبک تاریخ‌نگاری، این امکان را به پژوهشگر می‌دهد که متن را در لایه‌های مختلف بررسی کند. برای مثال، بهره‌مندی نویسنده از انواع جناس، سجع و تکرار به عنوان موسیقی درونی و نیز ابیات فراوان از شاعران اعصار گوناگون به عنوان موسیقی بیرونی، سبب ایجاد لایه آوایی کلام شده است. در لایه واژه‌ای، رقابت جذاب واژه‌های انتزاعی و حسی در سرتاسر متن سبب شده است تا مخاطب با تأمل بیشتری متن را بخواند. در لایه نحوی، کاربرد ویژگی‌های گوناگون فعل (کاربرد ترکیب خاص، ساختمان فعل، زمان و ترکیبات اضافی-وصفی) به شکل متنوع گویای تسلط چشمگیر نویسنده در این حوزه است. در لایه بلاغی، بسامد بالای تشبیه و تضمین بر هنری تر شدن و استحکام متن افزوده است و در لایه ایدئولوژیک نیز، نویسنده، ضمن بازگویی وقایع تاریخی، با کاربردهای برجسته لایه‌های دیگر، سعی در شکل‌دهی نوعی مفاخره و ابراز نبوغ خود دارد.

**کلید واژه‌ها:** قرن شانزدهم، سبک، سبک‌شناسی لایه‌ای، تاریخ رشیدی، میرزا محمد حیدر دوغلات.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، گروه زبان و ادبیات ترکی استانبولی (bekbabayi@atu.ac.ir)

**Stylistic Analysis of Rashidi's History by Mirza Mohammad  
Heydar Doglat  
Behrouz Baik Babaei<sup>1</sup>**

**Abstract**

The knowledge of stylistics provides the researcher with the opportunity to reach the different layers of the author's intellectual system in a methodical way. In the foregoing research, relying on library and documentary studies and using an inductive method based on description and analysis, We have explored the stylistic components of Mirza Mohammad Heydar Duglati's book "History of Rashidi" in phonetic, words, syntactic, rhetoric and ideological layers. The author's exemplary ability to exemplify the author's use of language and the style of historiography enables the researcher to examine the text in different layers. For example, the author's use of genres, rhymes, and repetition as internal music, as well as numerous verses from poets of various ages as external music, have created a phonetic layer of the word. In the word layer, the attractive competition for abstract and intuitive words throughout the text has made the audience more readable. In the syntactic layer, the application of the various verbal features (the use of the special compound, the verb structure, the time and the additive-descriptive) in a variety of ways illustrates the author's remarkable mastery in this field. In the rhetorical layer, the high frequency of the simile is added and guarantees to be more artistic and robust to the text and in the ideological layer, the author, while recounting the historical events, by applying the prominent features of the other layers, seeks to form a kind of honors and express his genius.

**Keywords:** Sixteenth Century, Style, Layered Stylistics, Rashidi History, Mirza Mohammad Heydar Doglat.

---

1 - Assistant Professor, Allameh Tabatabai University, Istanbul Turkish Language and Literature Department (bekbabayi@atu.ac.ir)

## ۱. درآمد

قدرت نویسنده در حوزه نگارش و توانایی پرداخت دقیق و هدفمند موضوع یا موضوعات مورد نظر، یکی از عوامل ماندگاری و پویایی یک اثر تاریخی یا ادبی در طی اعصار متمادی است. بطریق اولی، مورخ یا مؤلف چیره‌دست، با تکیه بر دانشهای جاری و ساری زمانه خود، دست بخلق اثری منسجم و منحصر بفرد میزند که میتوان از رهگذار آن و بمیزان مهارت نویسنده، برای او سبک شخصی قایل شد. حال در این دقیقه است که ما نیاز بدانشی داریم که از راه آن بتوانیم بشاخصه‌های گوناگون اثر (روساخت و ژرف‌ساخت) پی ببریم و بشکلی روشمند بتحلیل متن پردازیم. از این رو، دانش سبک‌شناسی، از جمله ابزارهای مهم در بازنمودن ویژگی‌های یک متن-بویژه متون ادبی و تاریخی- به حساب می‌آید؛ هر چند برای رهیابی به این مسأله، نیاز به طرح شیوه‌های نوین دانش سبک‌شناسی است؛ چراکه زبان، شبکه‌ای است منسجم از لایه‌ها و پیوندهای گوناگون و ما ناگزیریم برای پی بردن به محتوای متن، بدانشی همچون سبک‌شناسی لایه‌ای روی آوریم. باری، با تذکار این مقدمه، به تعریف و تبیین این دانش پردازیم.

در این مقاله برآنیم تا آنرا از منظر دانش سبک‌شناسی کتاب ارزشمند «تاریخ رشیدی» اثر «میرزا محمد حیدر دوغلات» را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهیم. اهتمام بر این مسأله از سویی توانش مورخ تاریخ رشیدی در شیوه کتابت و نقل رخدادها را برای ما روشن میسازد و از سویی دیگر، با پیوند میان سطوح گوناگون سبک‌شناسی لایه‌ای، میتوان به ارتباطی ژرف و دقیق بین سطح ایدئولوژیک یا فکری با دیگر سطوح متن رسید و همین مهم منجر به پویایی و ماندگاری این کتاب و اهمیت آن تا حال حاضر شده است.

### ۲. پرسشهای پژوهش

۱-۲. ظرفیت و قابلیت متن کتاب تاریخ رشیدی با تکیه بر شاخصه‌های سبک‌شناسی، تا چه میزان قابل اعتنا و واکاوی است؟  
۲-۲. میتوان میرزا محمدحیدر دوغلات را فراتر از تاریخ‌نگار صرف و بعنوان یک نویسنده صاحب سبک در نظر گرفت؟

### ۳. فرضیه‌های پژوهش

۱-۳. کتاب تاریخ رشیدی، به لحاظ سبکی، جزو متون ادبی-تاریخی است که وجود شواهد کافی در هر یک از لایه‌های سبکی نگارنده این سطور را مجاب میکند تا متن گرانسنگ تاریخ رشیدی را از نگاه دانش سبک‌شناسی مورد تحلیل و واکاوی قرار دهند.  
۲-۴. با نگاهی گذرا بر متن تاریخ رشیدی و مشاهده صناعات لفظی و معنوی میتوان دریافت که هدف میرزا محمد حیدر صرفاً ذکر وقایع تاریخی نبوده و جنبه‌های ادبی موجود در متن، حدّ ایشان را از یک مورخ فراتر و جنبه ادبی متن را افزوده است.

#### ۴. پیشینه تحقیق

جستجوی ما درباره پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تاکنون اثری با عنوان سبک‌شناسی یا در نگاهی جزئی‌تر سبک‌شناسی لایه‌ای تاریخ رشیدی یا همسان آن نوشته نشده است؛ بلکه تعدادی از مقاله‌ها به توضیح برخی کلیدواژه‌های مورد نظر این مقاله پرداخته‌اند. از جمله این جستارها، مقاله‌ای با عنوان «تاریخ رشیدی میرزا محمدحیدر دوغلات؛ بینش و روش تاریخ‌نگاری» (۱۳۹۵) از زهرا عطایی است که معرفی کتاب و تبیین هدف نویسنده از کتابت و همچنین وجه تاریخی اثر را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده است. نیز مقاله‌ای با عنوان «ضرورت بازنگری تاریخ رشیدی» (۱۳۸۸) از علی محمدی که افزون بر توضیحات مصحح تاریخ رشیدی نکاتی را گوشزد میکند که در فهم دقیق‌تر و بهتر اثر قابل توجه است. همچنین «چند یادداشت درباره تصحیح تاریخ رشیدی» (۱۳۸۴) از مهدی فرهانی منفرد که ایشان نیز درباره تصحیح اثر توضیحاتی را یادآور شده‌اند. نیز نوشته‌ای با عنوان «معرفی کتاب تاریخ رشیدی دوغلات» (۱۳۷۸) که به همت مصحح کتاب «عباسقلی غفاری‌فرد» در کتاب ماه «تاریخ و جغرافیا» به چاپ رسید. با ذکر این آثار و با نگاهی دقیق در این حوزه میتوان گفت که بیشتر مقالات منتشر شده درباره تاریخ رشیدی، یادآوری نکات مربوط به تصحیح و یا بازنمایی وجه تاریخی آن را هدف خود قرار داده‌اند و تاکنون اثری مبتنی بر تحلیل سبک‌شناسانه تاریخ رشیدی انجام نشده است و شاید بتوان جستار پیش رو را نخستین اثر در این زمینه دانست.

#### ۶. میرزا محمدحیدر دوغلات و ارزش تاریخ رشیدی

میرزا محمدحیدر دوغلات در سال ۱۴۹۹ میلادی در محله‌ای بنام اوراتپه (نزدیک تاشکند) بدنیا آمد و در سن پنجاه و دو سالگی (۱۵۵۱ میلادی) در کشمیر هندوستان با اصابت تیری در تاریکی، بدرود حیات گفت و در مزار سلاطین شهر سری‌نگر به خاک سپرده شد. میرزا علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و سپاهیگری، صاحب دو اثر تاریخی و ادبی به نظم و نثر به زبان‌های ترکی و فارسی است. اولین اثر وی منظومه ترکی «جهان‌نامه» و دومین اثر کتاب «تاریخ رشیدی» به زبان فارسی که اثر دوم، میرزا حیدر را به شهرتی جهان رساند. زمان و مکان نگارش تاریخ رشیدی طی سالهای ۱۵۴۲-۱۵۴۶ میلادی و در شهر کشمیر برشته تحریر درآمده و موضوع کتاب ذکر وقایع مربوط به تاریخ بازماندگان چنگیز است. این کتاب از آنجایی که تاریخ رشیدی نامیده میشود در ذهن خواننده کتاب جامع *التواریخ* رشیدالدین فضل‌الله همدانی را متبادر میکند که انطباق درستی نیست؛ زیرا کتاب اخیر در سال ۱۳۱۰ میلادی برشته تحریر درآمده است. در واقع تاریخ رشیدی میرزا محمدحیدر دوغلات دنباله تاریخ خواجه رشیدالدین فضل‌الله است. یادآوری این نکته حایز اهمیت است که درباره چنگیز (۱۱۶۲-۱۲۲۷ م.) و فرزندان وی جوجی، چغتای، اوگتای و

تولی کتابهای زیادی نوشته شده که از آن جمله میتوان به جامع‌التواریخ اشاره کرد و این اثر در تاریخ چنگیزی از اهمیت خاصی برخوردار است. در مقابل، دربارهٔ اولاد جوجی و جغتای که در قفقاز و آسیای مرکزی حکومت میکردند و در فرهنگ و زبان ترکی ادغام و نهایتاً مسلمان شدند هیچ اثری به رشتهٔ تحریر در نیامده است. بزعم نگارنده، بسبب آنکه بازماندگان چنگیز برای همیشه از صفحهٔ تاریخ محو نشوند، بر خود فرض دانستند که اثری را بیادگار بگذارند تا آیندگان از سرنوشت نسلی که رو به اضمحلال بود باخبر شوند. از سوی دیگر، آنچه برای مؤلف کتاب اهمیت داشت پذیرش دین اسلام از سوی بازماندگان مغول بود. محمدحیدر دوغلات بر این باور بود که اولین کسی که اسلام را پذیرفت توغلوک تیمور (تغلق تیمور) بود و چگونگی مسلمان شدن توغلوک تیمور -از سلسلهٔ اولاد جغتای، فرزند دوم چنگیزخان- را مبنای تاریخ خود قرار داد. افزون بر این در این کتاب با سرنوشت تاریخی جوجی‌خان و چگونگی تشکیل خانات قراق آشنا میشویم.

باری، در نگاه کلان، ارزشمندی محتوای کتاب تاریخ رشیدی را میتوان در چند حوزه طبقه‌بندی کرد: نخست وجه تاریخی آن که از زمان بازماندگان چنگیزخان، امیر تیمور، ازبک، قزاق و شیخ صفی تا به بابر، افغان، تبت و هند سخن به میان می‌آورد و کمک شایانی به پژوهشگران تاریخ اسلام میکند. دودیدگر ارزش جغرافیایی آن که اطلاعات بسیاری دربارهٔ ممالک تبت، کاشغر، کشمیر، چین، هندوستان، پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی امروزی به دست میدهد. سدیدگر معرفی و ذکر آثار و احوال بزرگان ادب عرفانی قرون میانه همچون عبدالرحمن جامی، نوایی، عطایی، بابر، لطفی، سکاکی و دیگر اندیشمندان در حوزهٔ عرفان و فلسفه.

## ۷. سبک‌شناسی تاریخ رشیدی

همواره باید مطلع نظر داشت که زبان سطحیترین و ملموسترین عنصر موجود در هر اثر (ادبی) است. (بررسی سبکی و محتوایی منظومهٔ حماسی-تاریخی شاهنامه نادری، یوسفی و دیگران: ۳۴۳) بنابراین از رهگذار زبان است که میتوان به لایه‌های پنهان و نیمه پنهان یک متن پی برد:

### ۷-۱- لایهٔ آوایی

#### ۷-۱-۱- موسیقی درونی

از جمله زیرشاخه‌های مهم و قابل بررسی لایهٔ آوایی، موسیقی درونی کتاب ارزشمند تاریخ رشیدی است. در نگاهی دقیقتر و جزئیتر، موسیقی درونی، خود، به مقولاتی همچون جناس، سجع و تکرار تقسیم میشود.

● جناس: جناس از آرایه‌هایی است که «در سخن آراسته و هنرورزانه کاربردی گسترده یافته است. این آرایه نیک خنثیای درونی، سخن را سودمند و کارساز میتواند افتاد. همگونی آن

- است که در میان دو واژه بتوان به گونه‌ای ویژه، از دید ریخت و ساختار آوایی، همانندی و پیوندی نزدیک یافت» (بدیع، کزازی، الف: ص ۴۸).
- آنکه زمرهٔ رسالتش کسر در کار کسری افکنده و غلغلهٔ جلالتش قصر قصیر را در هم شکسته، براق برق‌آسای او کارخانهٔ فلک را زیر پی کرده و دست ابرآسای او نام حاتم را طی کرده. (تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: همان: صص ۲-۳)
- هدایت از لی عنایت لم یزلی است. (همان: ص ۱۳)
- از جهت مخالفت امرا مکاوحت دایم و مقاتلت قایم می‌بود. (همان: ص ۲۴۱)
- اکثر ایشان از حلیهٔ ایمان عاطل‌اند و تمام نیت و اعمالشان باطل. (همان: ص ۵۲۷)
- امرا تمام عمر یوغ داشتندی این زمان توغ برداشته. (همان: ۴۶۱)
- هرگز علت و سبب بی‌عنایت مسبب راه نتواند که حجاب راه بر باشد نه راه بر. (همان: ص ۱۴)
- سرای سور و سرور بایستی. (همان: ص ۷۴)
- امروز حق سبحانه و تعالی دست‌های ما را به صورت دست‌های آن صورت متصور، مصور ساخته. (همان: ۳۰۹)
- ایشان را غارتیده مال و منال و چهارپایان ایشان را بگرفتند. (همان: ص ۶۲)
- دوام و بقای هر محدثی از مقولهٔ ممتعات اشارت بشارت آیین... (همان: ص ۷۵)
- جناس، از جمله صنعتی است که میرزا حیدر در متن تاریخ رشیدی به انحای گوناگون از آغاز تا انجام از آن بهره‌ها جسته است و نکتهٔ حایز اهمیت اینکه وی از انواع جناس استفاده کرده و با نگاهی کلان‌نمی‌توان نوع خاصی را بر دیگری تفوق داد.
- سجع: «آن است که دو واژه، به گونه‌ای، در ریخت و ساختار آوایی با هم پیوند داشته باشند. سجع را بر سه گونه بخش کرده‌اند: ۱. سجع همسنگ (متوازن)، ۲. سجع همسوی (مطرف)، ۳. سجع همسان (متوازی)» (بدیع، کزازی، الف: صص ۴۲-۴۳).
- از زمان تولد الی غایت به من همراز و جلیس و هم‌صحبت و انیس من بوده است. (تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: ص ۳۳۵)
- اکثر افعال و اقوال او موافق عقل سلیم نبود. (همان: ص ۳۵۰)
- به درجات علیای عقبا بینا و به ترفعات مراتب دنیا بیننده بود. (همان: ص ۵۲۷)
- خاطر از کار و بار این جهان غدار نایابدار متنفر گشت. (همان: ص ۷۵)
- در آنجا مدفون ساختند و عمارتی به غایت عالی و دلکش بپرداختند. (همان)
- نومید و خایف و خاسر و خایب برگشت. (همان: ۴۶۱)
- بر بصایر ارباب پینش و بر ضمایر اصحاب دانش پوشیده و مخفی نماند. (همان: ص ۵)

در این صنعت نیز میرزا حیدر تا حد امکان از انواع سجع استفاده کرده است. هر چند شاید بتوان سهم سجع همسان را در مقایسه با دو نوع دیگر پرننگتر دانست.

• تکرار: باید یادآور شد که تکرار «آن است که واژه‌ای چندین بار در سخن به کار برده شود، به گونه‌ای که مایه زیبایی و نگارینی فزونتر آن گردد... گاه سخنور لخت‌هایی از سخن را در سروده باز می‌آورد... گاه بخشی از واژه‌ای به تکرار در سخن آورده شده است... [نیز] سخنور آوایی را پی در پی در سخن خود بیاورد» (بدیع، کزازی، الف: صص ۸۱-۸۴).

- مِکِارِمِ مِلیکاتِ مِلیکانه اقتضای اِکرامِ اِضیافِ می‌کرد. (تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: ص ۴۳)

- مردی بود در غایت ظرافت و اندام، همه کس را می‌خواست که همان رنگ در غایت ظرافت و اندام باشند. (همان: ص ۳۱۱)

- این زمان به تجرع اقداح روح جوانی را مروح داشته و به راحت استراحت میباید کرد. (همان: ص ۳۵۱)

- قداح راج چون دور قدح در گردش درآمد و گلگون بادۀ گلگون رویی را که یرقان حکم صفراوی مزاج شاهی بیگ‌خان چون معصفر اصغر صفراوی گشته بود. (همان)

آنچه از منظر تکرار در تاریخ رشیدی برمی‌آید اهمیت بر تکرار در سطح حروف است که از آن تحت عنوان واج‌آرایی یا نغمه حروف یاد میکنند. هر چند در سطح کلمات نیز شواهدی به چشم می‌خورد؛ اما بحدی چشم نواز نیست که بتوان آنرا در مقایسه با سطح حرف برجسته کرد.

#### ۷-۱-۲- موسیقی بیرونی و کناری

یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های تاریخ رشیدی استفاده مستمر و پیاپی نویسنده از ابیات شاعران اعصار گوناگون پیش از خود است. ما این نگاه را در تمام اثر شاهدیم و در جایی که میرزا حیدر نیاز ببیند، بیدرنگ از یک یا چند بیت در راستای حرف خود استفاده میکند که در این بخش از جستار تنها به بررسی چند بیت از نگاه موسیقی درونی می‌پردازیم:

ز مردم نمانده در آنجا اثر                      ز آثارشان کس ندارد خبر

(تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: ص ۲۳۴)

وزن شعر: فعولن فعولن فعل: متقارب مثنی محذوف

کلمات قافیه: اثر/ خبر

آتشین لعلی که تاج خسروان را زیورست                      اخگری بهر خیال خام پختن در سرست

(همان: ص ۳۱۰)

وزن شعر: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن: رمل مثنی محذوف

ردیف: است

کلمات قافیه: زیور / سر

نه هر کسی که کله کژ نهاد و تند نشست      کلاه داری و آیین سروری داند  
(همان: ص ۴۶۰)

وزن شعر: مفاعلهن فعلاتن مفاعلهن فعلن: مجتث مثنی مخبون محذوف  
پادشهان بر در تعظیم او      دست برآورده به حکم سوال  
(همان: ص ۲)

وزن شعر: مفعلهن مفعلهن فاعلهن: سریع مصوی مکشوف  
محمد نور چشم اهل بینش      گل بستان سرای آفرینش  
(همان: ص ۴)

وزن شعر: مفاعلهن مفاعلهن فعولن: هزج مسدس محذوف  
کلمات قافیه: بینش / آفرینش

آنچه باید تذکار کرد این است که بی تردید یکی از آبخوره‌های مهم میرزا حیدر دیوان حافظ، شاهنامه فردوسی و دیگر آثار طراز اول ادب فارسی بوده است؛ زیرا از اشعار شاعران نامبرده به کرات بهره‌ها جسته و این خود نشان از دامنه مطالعاتی ایشان بحساب می‌آید. میرزا حیدر در جای جای اثر خود «بیت، شعر، مصراع، قطعه و رباعی» نوشته بعدا ابیات را آورده است. اما به نظر می‌رسد در تشخیص نوع اشعار بعضی اشعار دچار اشتباه شده است. مثلا برای قصیده عنوان قطعه را بکار برده است. از طرفی چون تعدادی کمی از اشعار را بکار برده است معمولا تشخیص قطعه، قصیده و غزل بودن برای خواننده سخت می‌شود.

در بررسی قافیه در این اثر، مبنای کار، تقسیم بندی شفيعی کدکنی در موسیقی شعر است. ایشان قافیه را به سه نوع تقسیم می‌کند: ۱- قافیه با حروف اصلی: که در آنها غیر از حروف اصلی قافیه، حروف بیشتری رعایت نشده است. ۲- قافیة اعناتی: که مصونها و صامتهای مشترک بیشتری غیر از حروف اصلی قافیه در آن رعایت شده است. ۳- قافیة ردیفی: که قافیه با ردیف همراه است. بنابراین هرچه کلمات مشترک قافیه بیشتر باشد، آهنگ و تأثیر قافیه بیشتر خواهد شد.

تاریخ رشیدی از دو دفتر تشکیل شده است و برای زیباتر و ادبی نشان دادن متن تعداد قابل توجهی در لابلای پاراگرافها از ابیات و تک مصراعها استفاده کرده است. بنابراین از منظر سبک‌شناسی بررسی آنها اهمیت دارد. در مجموع دو دفتر ۷۳۱ بیت و ۴۵ مصراع در لابلای پاراگرافها از شاعران مختلف آورده است.

در دفتر اول تاریخ رشیدی ۱۴۸ بیت و ۱۳ مصراع در لابلای پاراگرافها آورده است. از این تعداد ۱۱۶ بیت، قافیه با حروف اصلی، ۹ بیت قافیة اعناتی و ۲۳ بیت قافیه ردیفی است. این آمار نشان می‌دهد میرزا حیدر دو غلات در انتخاب و چینش ابیات به جنبه موسیقایی توجه



چندانی نداشته است. از بین اینها ۱۱۵ قافیه اسمی و ۲۲ قافیه فعلی هستند. البته در اثر میزان حروف مشترک بین قافیه‌های اسمی بیشتر از قافیه‌های فعلی است که باعث تأثیر بیشتر قافیه‌های اسمی شده است.

تعداد کل ابیات	قافیه با حروف اصلی	قافیه اعناتی	قافیه ردیفی	قافیه فعلی	قافیه اسمی
۱۴۸	۱۳۹	۹	۳۳	۲۲	۱۱۵

از ۱۴۸ بیت موجود در دفتر اول تاریخ رشیدی تنها ۳۴ بیت دارای ردیف است. در این اثر از تعداد ۳۴ بیت مردف، تعداد بیت ۲۹ ردیف فعلی دارند. یک ردیف ترکیبی و یکعدد ردیف حرفی است که از حرف «ا» تشکیل شده است. از مجموع ردیف‌های فعلی بسامد ردیفهای غیرربطی نسبت به ردیفهای ربطی بیشتر است.

تعداد ابیات مردف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف به صورت ضمیر	ردیف به صورت ترکیبی	ردیف حرفی
۳۴	۲۹	۳		۱	۱

در این میان تعداد سه قطعه در مجموع ۷ بیت بکار رفته که یک ردیف آن هم فعلی بکار رفته است.

	تعداد	تعداد ابیات	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف به صورت ضمیر	ردیف به صورت ترکیبی	ردیف حرفی
قطعه	۳	۷	۱				
غزل	۴	۱۶	۲			۲	
رباعی	۷		۳	۳		۱	

تعداد ۴ غزل بکار برده که در مجموع ۱۶ بیت هستند. از اینها دو غزل ردیف فعلی و دو غزل ردیف ترکیبی بکار رفته است. در این میان ۷ رباعی بکار برده که سه تا از آنها ردیف فعلی و سه تا ردیف اسمی و یکعدد ردیف ترکیبی بکار رفته است. میرزا حیدر در دفتر اول خود ۵ بیت شعر عربی در ۴ جا بکار برده و ۱۰ بیت به ترکی شرقی در سه جا بکار برده است. همچنین از سیزده تک مصراع استفاده کرده است.

در دفتر دوم تاریخ رشیدی ۵۸۳ بیت و ۳۲ مصراع در لابلای پاراگرافها آورده است. از این تعداد ۳۴۲ بیت، قافیه با حروف اصلی، ۳۹ بیت قافیه اعناتی و ۱۹۶ بیت قافیه ردیفی است.

این آمار نشان می‌دهد میرزا حیدر دو غلات در انتخاب و چینش ابیات به جنبه موسیقایی توجه چندانی نداشته است. از بین اینها ۲۴۷ قافیه اسمی و ۶۳ قافیه فعلی هستند. البته در اثر میزان حروف مشترک بین قافیه‌های اسمی بیشتر از قافیه‌های فعلی است که باعث تأثیر بیشتر قافیه‌های اسمی شده است.

تعداد کل ابیات	قافیه با حروف اصلی	قافیه اعناتی	قافیه ردیفی	قافیه فعلی	قافیه اسمی
۵۸۳	۳۴۲	۳۹	۱۹۶	۶۳	۲۴۷

از ۵۸۳ بیت موجود در دفتر اول تاریخ رشیدی تنها ۱۹۶ بیت دارای ردیف است. در این اثر از تعداد ۱۹۶ بیت مردف، تعداد بیت ۱۴۵ ردیف فعلی دارند و ۲۰ ردیف اسمی وجود دارد که از مجموع ردیف‌های فعلی بسامد ردیف‌های غیرربطی نسبت به ردیف‌های ربطی بیشتر است. ۲۷ ردیف ترکیبی، ۸ ردیف به صورت ضمیر بکار رفته است ضمیر «تو» و «ما» هستند و ۳ ردیف حرفی است که از حرف «را» تشکیل شده است.

تعداد ابیات مردف	ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف به صورت ضمیر	ردیف به صورت ترکیبی	ردیف حرفی
۱۹۶	۱۴۵	۲۰	۸	۲۷	۳

میرزا حیدر در دفتر دوم ۱۸ قطعه بکار برده که در مجموع ۳۹ بیت می‌باشد. دو قطعه ردیف فعلی و یک قطعه ردیف حرفی «حرف را» هستند.

	تعداد ابیات	تعداد ردیف فعلی	ردیف اسمی	ردیف به صورت ضمیر	ردیف به صورت ترکیبی	ردیف حرفی
قطعه	۱۸	۲				۱
غزل	۱۱	۹				
قصیده	۲۱	۴۲	۳	۱	۳	
رباعی	۲۳	۱۲	۱		۴	

در دفتر دوم ۱۱ غزل استفاده کرده که در مجموع ۳۰ بیت هستند. ۹ عدد از غزلها ردیف فعلی دارند. تعداد ۱۱ قصیده با مجموع ابیات ۴۲ بیت استفاده کرده است که از این تعداد ۲۱ ردیف فعلی و ۳ ردیف اسمی یک ردیف ضمیری و ۳ ردیف ترکیبی هستند. همچنین از ۲۳ رباعی در جهت غنای متن خود استفاده کرده که از آنها ۱۲ رباعی ردیف فعلی و یک

رباعی ردیف اسمی و ۴ رباعی ردیف ترکیبی هستند. میرزا حیدر در دفتر دوم خود ۴ بیت شعر عربی در دو جا بکار برده و ۷ بیت به ترکی شرقی در ۵ جا بکار برده است. همچنین از ۳۲ تک مصراع استفاده کرده است. و سه بیت ترکی فارسی در یکجا بکار برده است.

## ۷-۲- لایه واژه‌ای

### ۷-۲-۱- واژه‌های حسی یا انتزاعی

«واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعیند و واژه‌هایی که بر اشیای واقعی و محسوس دلالت دارند عینی و حسیند» (سبک‌شناسی، فتوحی: ص ۲۵۱).

یکی از نکات قابل ذکر این است که میرزا حیدر از همان آغاز کتاب و بخش دیباچه به وفور از واژه‌های انتزاعی بهره برده است. جالب اینجاست که او، این واژه‌ها را با کلمات محسوس متعلقات پادشاهی همراه ساخته. به بیانی دقیقتر در آغاز تاریخ رشیدی، در یک سوی قضیه حمد و ثنای خداوند آسمان‌ها و زمین و کار بست کلمات با مفاهیم ذهنی و در سوی دیگر یادکرد پادشاهان مورد نظر و متعلقات پادشاهی. بطریق اولی، مشابه اکثر متون اینچنینی با عبور از مقدمه و ورود به بخشهای اصلی به تدریج از شدت میزان کاربرد واژه‌های انتزاعی کاسته و نوعی برابری میان لغات ذهنی و عینی برقرار میشود و میتوان گفت که این توازن تا پایان کتاب همراه مخاطب است. یعنی در سویی واژه‌های انتزاعی و در سویی دیگر واژه‌های حسی. محض نمونه از دیباچه، بخش اول و بخش دوم کتاب:

- افتتاح تاریخ جهاننداری و ابتدای ظفر و بختیاری، حمد و ثنای حضرت پادشاهی تواند بود... ساحت مملکتش از سمت تغییر و زوال محروس و مصون است و عرصه بارگاهش از وصمت انتقال محفوظ و مأمون. (تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: ص ۱)

- عم بزرگوار سید ابرار، دل‌بند اختیار، خیمه شرع را عماد و خانه دین را اساس... بر ارواح مطهره عشره مبشره او که مسند خلافت به پرتو و وجود ایشان آراسته است و مالکان ازمنه عقل و حاکمان اعنة قبض و بسط بود. (همان: ص ۵)

- امیر حاجی از اینکه نتیجه الهام ربانی بود، روایح سعادت و اقبال را استشمام نمود و آن رای را استحسان فرمود. (همان: ۲۶)

- این نوبت که لشکر این جانب بیش از ایشان بودند، بنیادکار بر حيله نهادند و به سنگ جده که خاصیت آن از بدایع صنع آفریدگار است، توسل جسته چاره کردند. (همان: ۴۷)

- چون میرزا ابابکر در پیش محمد حیدر میرزا میبود در غایت جرات و سخاوت و به ذات خود در غایت قوت و شجاعت بود. (همان: ص ۱۲۷)

- وقتی که پدرم خراسان رفت به کرات به ملازمت شیخ مشرف شد و مرا نیز به رسم تیمن پیش شیخ میبرد و التماس فاتحه میکرد. (همان: ص ۳۰۳)

### ۷-۲-۲- کلمات و عبارات عامیانه

آنچه از خوانش مقدمه، بخش اول و بخش دوم متن تاریخ رشیدی دریافت میشود، کاربرد اندک کلمات یا عبارات عامیانه در سرتاسر متن است. هرچند شخص میرزا حیدر در آغاز کتاب، هدف خود از نگارش را ثبت وقایع میدانند و بیشتر رویکرد تاریخی دارد و از این حیث خواننده در ذهن خود انتظار مواجهه با متنی ادبی را چه بسا نداشته باشد؛ اما آنقدر نثر دوغلات گیرا و دارای قاعده است که براستی نمیتوان به گونه‌ای چشمگیر سراغی از کاربرد کلمات یا عبارات عامیانه گرفت و اگر هم باشد شاذ و اندک. در ادامه به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- سخن / ارحیف را لایق ثبت ندیدم. فلاجرم عنان خامه را از آن باز کشیدم. (همان: ص ۱۸۷)

- رنود اوباش و هنود بی‌باش را سری شده بلکه کله خری گشته بود. (همان: ص ۶۸۵)  
- از این مزخرفات که در کوانین دماغ ایشان از محض شیطننت... (همان: ص ۶۴۹)

### ۷-۲-۳- تحوّل معنایی کلمات

آنچه در این بخش از جستار میتوان اشاره کرد اینست که گاهی در تاریخ رشیدی، به کلمات یا عباراتی برمیخوریم که در طی زمان، معنای مصطلح آنها دگرگون شده و یا در زمان نویسنده کاربرد داشته که در اینجا به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- مزاج شریف انحرافی که از کثرت تجرع واقع شده بود از غایت لطافت هوای آن مغازه جنت نشان به اعتدال آمده. (همان: ص ۴۸۷) مغازه: صحرا و بیابان  
- از جهت اسلام و شفقت بر مسلمین این معنی گران می‌آمد. (همان: ص ۵۲۷)  
- براق برق‌آسای او کارخانه فلک را زیر پی کرده و دست ابرآسای او نام حاتم را طی کرده. (همان: ص ۳)

- جامه و موزه خان را پوشانید. (همان: ص ۲۸۷)

### ۷-۲-۴- بکارگیری صورت کهن کلمات

از جمله مواردی که در متن اثر مورد پژوهش، برجسته است، بهره‌مندی نویسنده کتاب از صورت کهن برخی واژه‌هاست که در زیر به تعدادی از آنها اشاره میکنیم:  
- و احوال مردم قزاق آن بوده که هژده کس و بیست کس بیشتر و کمتر. (همان: ص ۳۸۷)  
- قباد فرمود که از این سپارش مقصود همین است. (همان: ص ۲۷۱)  
- شرط سیوم آنکه در خوردن و پوشیدن اقتدا به سیرت خلفای راشدین کند. (همان: ص ۴۹۴)

- در پشت‌های ایشان سبد بر بسته، در گردن زنجیر و در دست کنند. (همان: ص ۳۸۷)  
- قبا فرمود که از این سپارش. (همان: ص ۲۷۱)

#### ۷-۲-۵- تضاد

تضاد نیز از جمله صناعاتی است که میرزا حیدر، در متن خود از آن بهره جسته و غالب کلمات مورد استفاده تضاد، از زبان عربی گزینش شده است که در ذیل به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- هر جا که اهل فضل و کمال را شمار دهند، مره بعد مره آخری، به نام ایشان ابتدا و انتها کنند. (همان: ص ۳۰۸)

- به رجال و نسا کارها پیدا ساخته است. (همان: ص ۳۸۷)

- حضرت صاحب‌قران به تأیید ربانی از میسره حمله کرد و میمنه مخالف را که... (همان: ص ۴۸)

- عجب ساعدهای پاکیزه منوری که دیده مثل آن را ندیده باشد. (همان: ص ۳۰۹)

#### ۷-۲-۶- ضرب‌المثل

در متن تاریخ رشیدی با تعداد اندکی از ضرب‌المثلها مواجهیم. در اینجا تنها به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- گل بود به سبزه نیز آراسته شد. (همان: ص ۲۵۸)

- مسلمان نشنود کافر مبیناد. (همان: ص ۶۶۹)

- از آنجا رانده و اینجا مانده. (همان: ص ۶۳۳)

#### ۷-۲-۷- واژه‌های عربی، فارسی، پهلوی، ترکی و مغولی

با نگاهی بر کتاب تاریخ رشیدی میتوان دریافت که آغازینه متن با بسامد بالای واژه‌های عربی همراه است و این برتری در سرتاسر متن همراه خوانند است. هر چند هر چه جلوتر میرویم توازن میان واژه‌های عربی و فارسی (بویژه در کلمات مرکب) بیشتر رعایت میشود و آنجایی که سخن از اشخاص و بلاد بمیان می‌آید، بهره‌مندی از واژه‌های ترکی و مغولی و ممزوج آن با کلمات عربی به اوج خود میرسد. از این میان کاربرد واژه‌های پهلوی بسیار کم است:

- افتتاح تاریخ جهان‌داری و ابتدای ظفر و بختیاری، حمد و ثنای حضرت پادشاهی تواند بود که به مقتضای قل اللهم مالک الملک ساحت مملکتش از سمت تغییر و زوال، محروس و مصون است و عرصه بارگاهش از وصمت انتقال محفوظ و مأمون. (همان: ص ۱)

- عالی حضرتی که پایه نبوتش در مدارج علو و معارج سمو به مرتبه‌ای رسیده که آدم صفی و ابراهیم خلیل-صلوات الله و سلامه علیهما- به یمن نبوت او پای افتخار بر تارک گنبد دوار نهاده و سلیمان و داود و یوسف صدیق-علیهم الصلوٰه و السلام- به میامن اخوت او بتاج عزت و تخت مملکت سزاوار شده. (همان: ص ۳-۴)

- بر بصائر ارباب بینش و بر ضمایر اصحاب دانش پوشیده و مخفی نماند که کلام مجید آسمانی و تنزیل حمید فرقانی که اعظم معجزات محمدی و اوضح براهین احمدی است و به صفت اوتیت جوامع الکلام منصف به سه قسم میشود. (همان: ص ۵)

- آفریدگار تعالی و تقدس در مبداء فطرت بوقت تکوین ارواح، ابتداء الست بریکم مر جميع ارواح را صلای عام در داد. (همان: ص ۱۳)

- اگر پیشنهاد خاطر همایون، رضای پروردگار است آن را هیچ وسیله‌ای از دادگستری و رعیت‌پروری برتر متصور نیست، چه اکمل و اعلم اولین و آخرین - علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات - حاصل یک ساعت از عمر که به داد دادن صرف کرده شود. (همان: ص ۷۶)

- بعد از مخالفت و قصه کشتن تیمور اویغور، ایسان بوغاخان به آقسو درآمده بود. چون یونس خان به مغولستان برآمد، اول میر کریم بردی به خان ملحق شد. بعد از آن کونجی و بعضی از متفرقات مغول به ملازمت خان آمدند. خان دختر میر پیر حاجی کونجی که در آن زمان امارت تومان کونجی بدو تعلق بود و استقلال تمام داشت، عقد نکاح بست و نام او ایسان دولت بیگم بود. (همان: ص ۱۱۲-۱۱۳)

واژه‌های مشخص‌شده در مثالهای فوق، عربی هستند و از میزان بسامد آنها و همنشینیشان با کلمات فارسی، پهلوی، ترکی و مغولی میتوان دریافت که مؤلف تاریخ رشیدی - متأثر از اوضاع زمانه خود - کلمات و واژه‌ها را به کار برده است.

### ۷-۳- لایه نحوی

#### ۷-۳-۱- فعل

#### ● بهره‌مندی از ترکیب خاص

یکی از شاخص‌هایی که در متن تاریخ رشیدی از بسامد بالایی برخوردار است، استفاده از ساختار صفت مفعولی پیش از فعل و در معنایی همچون حالت و چگونگی است:

- چون مردم مرده را دیدند به شیخ جمال خر رفته گفتند. (همان: ص ۱۲۲)

- شیخم گفت که به خواجه حبیب الله بگو این مرد پسر میرزا حسین را گرفته گریخته است. (همان: ص ۳۴۵)

- ظاهرخان به قرغیز هواخواه شده آمد. (همان: ص ۵۴۳)

- پیش خان آمدند و به خان عرضه داشت کردند. (همان: ص ۱۲۳)

#### ● افعال بسیط، پیشوندی و مرکب

با نگاهی گذرا بر افعال کتاب تاریخ رشیدی درمیابیم که سهم افعال بسیط در مقایسه با پیشوندی و مرکب، چشم‌گیر و قابل توجه است. نیز سهم افعال پیشوندی در تاریخ رشیدی بسیار اندک و سهم افعال مرکب (در مقایسه با پیشوندی)، قابل اعتناست که به چند مورد از هر سه ساختار اشاره میکنیم:

- خبر پادشاه که در غوری بود در میان افواه/فتاد. (همان: ۲۶۷)
- او را از غایت احترام و اهتمام پسر خود خواند. (همان: ص ۷۸)
- و تمهید این معنی در اول کتاب گذشت. (همان: ص ۱۵)
- از وی منتها داشته همان لحظه بدر رفتم. (همان: ص ۳۴۶)
- خان مردم مغول را کوچانیده به مغولستان برآمد. (همان: ص ۱۲۳)
- خان را اینچنین آسان گرفت و در بند کشید. (همان: ص ۱۲۲)
- چون خبر به خان رسید و هن بی حد و وهم بی عد به حال خان و مردم اندجان راه یافت. (همان: ص ۳۷۹)
- عزیمت را مصمم نموده به این تفصیل تفریق نمودند. (همان: ص ۲۸۲)

### ۷-۳-۲- ساختار نحو عربی

- در ضمن کاربرد لغات و تعبیرات بی‌امان عربی، آنچه در متن تاریخ رشیدی از نگاه نحوپون به چشم می‌خورد تانیث کلمات پس از صورت‌های جمع است، مانند:
- اهل عشیرت او در هفته یکبار وی را تواند دید و همچنین مراتب کثیره... (همان: ص ۳۸۷)

- بنده به سعادت بساط بوسی استسعاد یابد و فواید کثیره. (همان: ص ۴۷۹)
- خجالت این تقصیر را به کثرت خدمات لایقه نموده آید. (همان: ص ۴۷۸)
- عساکر منصوره از اطراف و اکناف در حرکت آمده. (همان: ص ۵۹)
- فواید کثیره از آن به روزگارها عاید گردد. (همان: ص ۴۷۹)
- چنانکه زمان او محسود/زمنه سابقه شد. (همان: ص ۱۱۵)

### ۷-۳-۳- زمان

یکی از ویژگی‌های مهم در بخش زمان افعال موجود در تاریخ رشیدی کاربرد زمان آینده به گونه افراطی است. کمتر بخشی را میتوان خواند که در آن اثری از ساختار فعل مستقبل نیامده باشد و به شکل مستمر میرزا حیدر ذکر رخدادی را به بخشهای آینده واگذار میکند که چه بسا این مساله را بتوان دلیلی بر خوش بینی و اطمینان از بقای طول عمر میتوان برشمرد. محض نمونه به چند مورد اشاره میکنیم:

- محبت اسلام در دل او قرار گرفت که این عنقریب به شرح خواهد آمد. (همان: ص ۱۴)
- مرور ایام تمام مغولستان بلکه اکثر یورت جغتای را مستخلص کرد که مشروح خواهد شد. (همان: ص ۱۷)

- که در تاریخ اصل مشروح خواهد شد. (همان: ۲۳۹)
- وقایعی که میان ایشان و مغول واقع گشته مسطور خواهد شد. (همان: ص ۲۴۱)

### ۷-۳-۴- ترکیب اضافی

یکی از ترکیبات پربسامد تاریخ رشیدی، حالت اقترانی است که در ذیل به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- میرزا را به دست تعظیم و گردن انقیاد برداشته. (همان: ص ۳۲۱)
- موسی کلیم چون دست اعتصام... در فتراک دولت پیوند او زد. (همان: ص ۴)
- حضرت مولانا سر ارادت را در آن پایه مانده. (همان: ص ۳۴۳)

### ۷-۳-۵- توصیف

یکی از زیباییهای تاریخ رشیدی میرزا حیدر، توصیفات موشکافانه و دقیق اوست که بسان یک رمان یا داستان محیط مورد نظر را وصف میکند. چه میدان نبرد باشد، چه حالات عارفانه باشد و چه اماکن تاریخی، تفاوتی نمیکند. برای مثال در بخشی از کتاب دربارهٔ بتخانه‌های کشمیر میخوانیم: «اول و اعظم عجایبات کشمیر، بتخانه‌های اوست. در تمامی ناحیت کشمیر قیاساً صد و پنجاه بتخانه بلکه بیشتر باشد که از سنگ تراشیده در زیر درز گذاشته‌اند، چنانکه مطلقاً ملاط در وی نیست، چنانکه بی گچ و ساروج، سنگ را بر بالای هم گذاشته‌اند به حدی تنگ درز که کاغذ در میان او نمی‌رود. هر سنگ از سه گز تا بیست گز و حجم آن یک گز و عرض آن از یک گز تا پنج گز، به نوعی که عقل از آوردن و بر عمارت برآوردن البته امتناع میکند. و اکثر آن بر یک طرح واقع است» (همان: ص ۶۲۲)

### ۷-۳-۶- کمیت جملات و انواع حذف

با نگاهی بر تاریخ رشیدی در میابیم که مؤلف، در آغازین کلام، از جملات طولانیتری بهره برده است و هرچه بسوی بخش اول و بخش دوم کتاب نزدیکتر میشویم از بهره‌مندی از جملات بلند کاشته میشود. نیز در مواردی که تذکار تاریخی او شکل داستانی بخود میگیرد، جملات بشکل کوتاه و پیاپی می‌آیند. همچنین توجه بیشتر مؤلف بر حذف به قرینهٔ لفظی است تا حذف به قرینهٔ معنوی. مثال:

- افتتاح تاریخ جهانداری و ابتدای ظفر و بختیاری، حمد و ثنای حضرت پادشاهی تواند بود که به مقتضای *قل اللهم مالک الملک ساحت مملکتش* از سمت تغییر و زوال، محروس و مصون است و عرصهٔ بارگاهش از وصمت انتقال محفوظ و مأمون [است]. (همان: ص ۱)

- بمجاری احوال و اوضاع آن حضرت و غرایب اطوار و آثار او از سر خبرت وقوف تأمل کرده شود به یقین پیوندد که ظاهر و باطن آن بزرگوار گردون اقتدار، مطرح انوار تأییدات الهی بوده. (همان: ص ۷۲)

- چون ایسان بوغا بمرگ طبیعی مرد، بجای وی پسرش دوست محمد خان پادشاه شد. هفده ساله بود، جوانی از دایرهٔ عقلا خارج [بود]، اکثر افعال او نه بر قانون عقل بود، مع هذا یک دم هشیار نبودی. (همان: ص ۱۱۵-۱۱۶)



در مثال نخست - با توجه به میزان کلمات به کار رفته - تنها سه فعل داریم. در مثال دوم که از آغازینه کلام فاصله میگیریم - با توجه به تعداد کلمات یک‌ونیم سطر - سه فعل و در مثال پایانی با همان حجم از کلمات، شش فعل داریم. گویی مؤلف سعی دارد در بخش ابتدایی متن، خواننده را با کاربست ترکیبات اضافی و مستمر مرعوب متن خود کند و در ادامه آرام آرام وقایع تاریخی را با شگردهای گوناگون ادبی و بشیرینی فراروی مخاطب قرار دهد. در بخشی از روایت تاریخی مؤلف میخوانیم: میبیند که آنکس هر لحظه فریادی میکند چنانچه کس را فریاد کنند. چون نزدیک رسید و آواز او مشخص شد، شناخت که او خواجه علی بهادر است. تاخته برآمد، او نیز خان را شناخت، گریه کرد، خود را از اسب انداخت. خان نیز در گریه شد و در کنار گرفت. (همان: ص ۲۸۴)

#### ۷-۴- لایه بلاغی

#### ۷-۴-۱- تشبیه

در علم بیان «مانندگی یا تشبیه کردن چیزی است یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه، در میانه آن دو میتوان یافت.» (بیان، کزازی، ب: ص ۴۰) را تشبیه نامیده‌اند. در متن تاریخ رشیدی فراوان از این صنعت یافت میشود که به ذکر چند مورد بسنده میکنیم:

- همشیره خود را که لولوی درر صدف خانیت بود در ازدواج عقد تو کشیدم. (تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: ص ۴۸۶)

- اشجار لشکر سبزه آراسته شد و عساکر سحاب از قوس قزح... (همان: ص ۵۰۹)

- امیر الجایتو بردی که آینه خرد و کیاستش از کبر سن به صیقل تجربه‌های گوناگون جلا یافته بود. (همان: ص ۴۳)

- رنگ از روی خواجه چون هوش از سر ما پرید. (همان: ص ۳۴۵)

- شمع شبستان بزم آرای صحن مجلس چون روز روشن ساخته بود. (همان: ص ۳۵۱)

- آبگینه‌گون افلاک را سیاهی از زنگ شب پرداخته شد. (همان: ص ۴۴۸)

- هر مقبولی را از عباد به تاج کرامت سرفرازد. (همان: ص ۲۷۰)

- در صحاح اخبار وارد است که هیچ نبی را تاج نبوت و خلعت رسالت در سر و بر نکردند. (همان: ص ۲۷۱)

- هرگز در حواشی خاطر ایشان ذره غبار محنت پیاده‌ها نمینشیند. (همان: ص ۲۷۲)

- دیگر همه در قعر بحر تیر و تیغ انتقام مظلومان منعدم گشتند. (همان: ص ۳۹۲).

- پرده عصمت را در هم دریده و از غنچه عفت برآمده. (همان: ص ۶۲۰)

آنچه در بخش تشبیه باید تذکار کرد این نکته است که صورت اضافی این آرایه، نقش بسزایی در زیبایی‌شناسی فهم متن دارد و عموماً یک سوی قضیه مشبه ذهنی و انتزاعی و در سوی دیگر مشبه به عینی و حسی.

#### ۷-۴-۲- استعاره

سهم استعاره به قدر تشبیه نیست؛ اما هر از گاهی با آن مواجهیم، محض نمونه درباره طلوع خورشید: فردا که تیغ‌دار ترک مشرق شمشیر را از نیام افق برکشید. (همان: ص ۳۵۰) در جایی دیگر هم درباب طلوع خورشید دارد: چون از صبح شرقی شادروان بر آمد شهانشاه گیتی ستان، به تیغ زر اندود و زرین سپر گرفته تمام جهان سر بسر. (همان: ص ۵۰۰). نیز نمونه‌های اضافی آن را در بخشهایی از متن میتوان دید:

- بالفور پای طمع در رکاب اجتهاد گذاشته. (همان: ص ۲۶۲)

- تا به چشم مرحمت در حال ضعفا نگرد. (همان: ص ۲۷۰)

- خواجه گاهی بارگی را در غایت شتاب میراند و گاهی عنان حکمت را کشیده میداشت. (همان: ص ۲۷۲)

- اوزبک نیز پای تأمل را در دامن تانی کشیده‌تر داشت. (همان: ص ۳۸۰)

#### ۷-۴-۳- کنایه

کنایه آن است که «سخن دوست، با درنگ و تلاشی ذهنی میباید، سرانجام، به معنای پوشیده و فروپیچیده در کنایه راه برد و راز آن را بگشاید» (بیان، کزازی، ب: ص ۱۵۶). با هم چند مورد را مرور میکنیم:

- در سر و دماغ وی هوای مسلمانی و تشرع افتاده بود. (تاریخ رشیدی، حیدر میرزا دوغلات: ص ۳۵۰)

- فی‌الحال سر در پی وی کرده چون پاره‌ای از شهر دورتر برآمد. (همان: ص ۵۱۰)

- اگر از سلاطین شیبان کسی به دست من افتد او را گذارم. (همان)

- رنگ از روی خواجه... پرید. (همان: ص ۳۴۵)

- در این نزدیکی‌ها شخصی کمر خدمت فقرا و مسلمین بسته. (همان: ص ۵۷۵)

- چون جمعیت خسروشاه پریشان شد. (همان: ص ۲۵۴)

- اگر آن امر بر مراد او شدی. (همان: ص ۲۶۱)

- در رکاب خواجه پیاده روان شود. (همان: ص ۲۷۱)

- دستهای سطربر گرفته حواله فرمودند. (همان: ص ۲۷۲)

- خان را پیش او بردند. وی در بند کشید. (همان: ص ۲۷۴)

- وی به هر جانب که ممکن بود دست و پای میزد. (همان: ص ۵۵۴)

#### ۷-۴-۵- تضمین

صنعت تضمین آن است که کسی سخنی از قرآن مجید یا حدیث یا شعر شاعر دیگری را در نظم یا نثر خود بیاورد که در متن تاریخ رشیدی به فراوانی با این مهم مواجهیم؛ مانند:

- سوابق مودت و دوستی ثابت بود به حکم موده الآباء قرابة الابناء. (همان: ص ۴۳)  
- چنانکه گفت اومن کان میتا فاحییناه، و حواله حیات آن جمله به خود فرمود. (همان: ص ۱۴)

- دیگر آن ضرت فرمود که فان اطول الناس جوعا يوم القيامة اکثرهم شعبا فی الدنيا. (همان: ۵۷۴)

- حمد و ثنای حضرت پادشاهی خواهد بود که به مقتضای قل اللهم مالک الملک. (همان: ص ۱)

- دیوان ابداعیان کن فیکون و مشرف دیوان ن و القلم و ما یسطرون گردانید. (همان: ص ۲)

- آوازه کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین از نشیب خاک به ذروه رفیع افلاک رسانیده. (همان)

- دیگر تواریخ چنانچه ثلثی از مقاصد کتاب لایمسه الا المطهرون دانستن. (همان: ص ۵)  
- مصرع وصفش نگنجد در بیان شرحش نیاید در قلم. (همان: ص ۷۸)

#### ۷-۴-۶- تلمیح

کاربرد نام پیامبران و اصطلاحات نجومی و بهتر است بگوییم تلمیحات مربوط به حوزه نبوت و نجوم از بسامد بالایی برخوردار است که در اینجا به ذکر چند مورد بسند میکنیم:  
- ج شنی آرا ستند که زهره رام شگر از نظاره آن ساز حیرت نواخته به ادای این نوا مترنم گشت. (همان: ص ۴۳)

- مشهور دیار لافتی، محرم راز درون و بیرون. (همان: ص ۵)  
- چون زمستان به آخر انجامید و یوسف آفتاب را یونس وار... . (همان: ص ۶۶)  
- سپاه ستاره عدد مریخ رزم به عزم یورش خوارزم به درگاه خلافت پناه جمع آیند. (همان)  
- از پیش چاه هابیل و قابیل به افسون آن ناقابل کوچ کرده. (همان: ص ۶۳۲)

#### ۷-۴-۷- تشخیص

هرگاه با نسبت دادن عمل، حالت و یا صفت انسانی به یک پدیده غیرانسانی به آن جلوه‌ای انسانی ببخشیم. در متن کتاب با نمونه‌هایی از این آرایه مواجه خواهیم شد، مانند:  
- سپیده صبح صادق چون یسال آهن پوش شعله‌زدن گرفت. (همان: ص ۵۱۱)  
- سلطان مشارق روز فتح علم خورشید پیکر را بر لشکر مغارب افراخته انهزام داد. (همان)  
- ساغر زرنگار پر از شراب ارغوانی بر کف نهاده ایاق می‌داشت. (همان: ص ۶۴)

- چندان آب از دیده سحاب فرو ریخت که طوفان برخاست. (همان: ص ۴۷)

- و بنفشه خود از این خجالت سر بالا نتواند کرد. (همان: ص ۶۲۰)

#### ۷-۴-۸- تناسب

تناسب یا مراعات نظیر نیز از جمله صناعاتی است که در متن تاریخ رشیدی به چشم میخورد. مانند:

- در پشت‌های ایشان سید بر بسته، در گردن زنجیر و در دست کلند. (همان: ص ۳۸۷)  
- آنگاه از ته علم عالی یکبارگی آوازه نقاره و کوس و نفیر و کرنای و صفیر سواران برآمد. (همان: ص ۵۱۱)

- چندان مال از زر و جواهر و خلعت و کمر و اسلحه و اقمشه و اسب و شتر و خیمه و خرگاه و کوس و علم و خیل و حشم و سایر اسباب حشمت و بزرگی به او و اتباع او داد. (همان: ص ۷۸)

- کوچ و اهل و عیال و فرزندان را در تبت گذاشت. (همان: ص ۴۶۳)  
- البته آنکس را با توابع و لواحق از خویش و فرزند، از اقارب و عشایر هرکس بودی. (همان: ص ۳۸۶)

- قریب دویست اسب و فراخور این گوسفند و شتر و برده و املاک خانه از رخوت و اقمشه همه را در نظرم آورد. (همان: ص ۳۹۲)

- و شه‌توت و گیلان و آلو و بالو تمام فواکه میباشد. (همان: ص ۶۲۱)

#### ۷-۵- لایه ایدئولوژیک

در دیباچه تاریخ رشیدی به برخی از دلایل نگارش کتاب اشاره شده است که میتوان از همان گزاره‌ها، دریافتی از مبنای فکری میرزا حیدر و منظومه فکری او از ثبت رخدادهای داشت. درباره چنگیز و دو فرزندش اوگتای و تولی کتابهای تاریخی فراوانی نوشته شده است که از آن جمله میتوان به جامع‌التواریخ اشاره کرد؛ اما درباره دو فرزند دیگر چنگیز یعنی جوجی و جغتای که مدت‌ها در ایران حکومت کردند و حتی دین اسلام را پذیرفتند، اثری نگاشته نشده بود و به زعم نگارنده آنچه میرزا حیدر را بر آن داشت تا به ثبت رخدادهای همت‌گمارد جلوگیری از اضمحلال وقایع دوران جوجی و جغتای و ستردن گرد فراموشی از فعالیت‌های دو برادر و به تبع آن دیگر افراد این سلسله است. منتهمی اگر نیک بنگریم، آنچه از محتوای کتاب برمی‌آید، این است که نکته مذکور را یگانه هدف میرزا حیدر نمیتوان برشمرد. زیرا در بخش دوم کتاب و قسمت مربوط به معرفی عرفا و مشایخ، بسان کتب پیشین همچون رساله قشیریه، اسرارالتوحید، کشف‌المحجوب وقایع عرفانی و ادبی یکی پس از دیگری با ذکر شاهد مثال ثبت میشود که همین امر ارزش کار میرزا حیدر را از حد یک تاریخ‌نگار عادی به حد نویسنده‌ای چیره‌دست و توانمند در چند حوزه میکشاند و داوری

درباره غنای فکری، زبانی و ادبی ایشان دشوار میشود. زیرا استفاده حداکثری از آیات و احادیث و همچنین ابیات گوناگون وی را چند گام به اوج میکشد و میتوان چنین دریافت که یکی از دلایل ثبت رخدادهای، بروز استعدادهای شگرف نویسنده و عرضه آن به اطرافیان بوده است.

## ۸. نتیجه‌گیری

تاریخ رشیدی که در حدود پنج قرن پیش در مورد تاریخ نوادگان مسلمان و ترک شده چنگیزخان بوسیله میرزا حیدر دوغلات به زبان فارسی نوشته شده اثری بسیار ارزشمند است. گرچه می‌توان ادعان کرد که این اثر ادامه تاریخ رشیدی فضل‌الله همدانی است؛ ولی کماکان در سایه تاریخ رشیدی فضل‌الله همدانی مانده و آن‌طور که بایسته و شایسته است به اهل علم شناسانده نشده است. در ضمن مراجعه به رخدادهای تاریخی این کتاب گرانسنگ و بهره‌مندی در حوزه تاریخ‌نگاری، میتوان از دیدگاه ادبی نیز آن را مورد بررسی قرار داد. دستاوردهای این پژوهش نشان میدهد که نگارنده تاریخ رشیدی با بهره‌مندی از صناعات لفظی و معنوی و همچنین کاربست شیوه خاص نگارش، پا را چند گام فراتر نهاده و استعداد و نبوغ خود را در زمینه ادبی نیز شکوفا کرده. هرچند که این اثر ارزشمند بارها تصحیح شده و به چند زبان زنده دنیا هم ترجمه شده؛ اما جا دارد که از دید علوم جدید نیز مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد که ما در این جستار سعی کردیم از نگاه دانش سبک‌شناسی بخشی از نبوغ میرزا حیدر دوغلات را کشف و به علاقه‌مندان عرضه کنیم.

## ۹. کتاب‌نامه

- بدیع (۱۳۸۹). کزازی، میرجلال‌الدین. چ هفتم. تهران: ماد.
- بررسی سبکی و محتوایی منظومه حماسی-تاریخی «شاهنامه نادری» اثر میرزا محمدعلی طوسی (فردوسی ثانی) (۱۳۹۸) یوسفی، هدیه و محمود طاووسی، مریم امیرارجمند، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره چهارم، سال دوازدهم، صص ۳۳۹-۳۶۲.
- بیان (۱۳۸۹). \_\_\_\_\_ چ نهم. تهران: ماد.
- تاریخ رشیدی. دوغلات، میرزا محمدحیدر (۱۳۸۳). تصحیح عباسقلی غفاری‌فرد. تهران: میراث مکتوب.
- تاریخ رشیدی. دوغلات، میرزا محمدحیدر (۲۰۱۹). تصحیح اسلام چمنی. تهران: اوغوزخان.

- تاریخ ر شیدی. دوغلات، میرزا محمدحیدر (۲۰۱۴). تصحیح اسلام چمنی، طراز: انتشارات دانشگاه دولتی طراز.
- سبک‌شناسی (۱۳۹۲). فتوحی، محمود. چاپ دوم. تهران: سخن.
- کلیات سبک‌شناسی (۱۳۹۳). شمیسا، سیروس. چاپ چهارم. تهران: میترا.